

ناصر مکارم شیرازی



قائیانقلاب ایران

روی حرکت‌های انقلابی در منطقه و در جهان

رساله جامع علوم انسانی
.....

اکنون دوست و دشمن در این مسئله متفقند که در تاریخچه انقلاب‌های جهان ، انقلاب ایران مشکل تازه و بی سابقه‌ای عرضه کرده است زیرا در خاور میانه ، در عراق ، افغانستان ، سوریه ، یمن ، مصر ، سودان و در آمریکای لاتین و آفریقا ما شاهد کودتاهای زیادی در گذشته بوده ایم که همه از طریق قیام مسلحانه ارتش سبب دگرگونی اوضاع شد بی آنکه توده‌های وسیع مردم در آن دخالت مستقیم داشته باشند .

در الجزایر و ویتنام شاهدنوع دیگری از قیام و انقلاب بودیم و آن قیام مسلحانه مردم بود که با کمک گرفتن از خارج و اتکاء به کشورهای دوست همسایه و غیر همسایه سالها جنگیدند، و میلیونها قربانی دادند تا سرانجام پیروز شدند.

ولی می‌دانیم انقلاب کشور ما نه شکل یک کودتای نظامی داشت، و نه قیام مسلحانه ملت با کمک نیروهای خارجی دوست، بلکه یک قیام ملی، همگانی و فراگیر بود در سطح عموم قشرها و در هر سن و سال در شهر و روستا که از تظاهرات، راه پیمائی‌ها، مبارزه ایدئولوژیک از طریق اعلامیه‌های آگاهی بخش شروع می‌شد، و به تبعید و زندان و سرانجام دادن قربانی منتهی می‌گشت.

تنها در چند روز آخر شکل قیام مسلحانه با استفاده از سنگ‌های خیابانی پیدا کرد، که آنها سلاح فقط از داخل تهیه شد یعنی از دست دشمن گرفته، و برفرق او کوبیده شد. البته با همکاری ارتشیان وفادار به انقلاب.

و به هر حال انقلابی بود سریع، برق آسا، کوبنده، غافلگیر کننده آنچنان که از نقشه‌های ضد انقلابی دشمنان در داخل و خارج پیشی می‌گرفت، و قبل از آن که آنها تصمیمی بگیرند در برابر عمل انجام شده قرار می‌گرفتند.

سلاح اصلی در این انقلاب در دست رهبران مذهبی، مخصوصاً آیه‌الله العظمی خمینی بود، این سلاح چیزی جز سلاح ایمان به مبانی اسلام نبود که در هیچ یک از انقلابهای عصر ما به این صورت مورد استفاده قرار نگرفته بود هرچند که نارضائی عمومی و فشار ظلم و خفقان و استبداد، زمینه را برای کار برد این سلاح آماده کرده بود.

بنابراین اگر بخواهیم شبیهی برای این انقلاب پیدا کنیم باید بگوئیم انقلاب ما فقط شبیه خودش بود، و یا اگر به عقب باز گردیم باید بگوئیم از جهات فراوانی شبیه انقلاب اسلام در عصر پیامبر (ص) بود.

پرتال جامع علوم انسانی

چه گروههایی از انقلاب ما رنج می‌برند؟

برای این که بدانیم دشمنان انقلاب ما چه اشخاصی هستند باید ببینیم چه گروههایی در داخل و خارج از آن زیان دیده اند.

بی شک امپریالیسم غربی که ایران را پایگاه و منبع بزرگ درآمد خود، و زاندارم و حافظ منافع خویش در منطقه، و بازار فروش اجناس گرانقیمت و سلاحهای سنگین و

کارشناسان پرخرج، قرار داده بود، بیش از همه از انقلاب ما زیان برد.
 دیگر جلو آن چشمه طلای سیاه نفت که سالها بقیمت ارزان، بسوی آنها روانه
 می‌شد بسته‌شد، دیگر از قراردادهای سرسام‌آور خرید اسلحه خبری نیست، سیل مستشاران
 و کارشناسان نظامی و غیر نظامی قطع شد، و همه راهی دیار خود گشتند و سرانجام
 پایگاههای بزرگشان تخته شد و منافعشان در منطقه بدون مدافع مانده است.
 اینها ضربات گیج‌کننده‌ای بود که یکی پس از دیگری بر آنها وارد گشت.
 امپریالیسم سرخ هرچند خوشحالی خود را از این موضوع کتمان نمی‌کند که ایران
 از شکل یک پایگاه برای دشمنانش بدرآمده، ولی به هر حال ناراحتی خود را از وجود یک
 حکومت مستقل اسلامی که طبعاً مخالف یک حکومت ماتریالیستی مخالف مذهب است پنهان
 نمی‌دارد، بخصوص این که سرایت این انقلاب به گروه عظیم مسلمانان آن کشور، طبق
 هر محاسبه‌ای، در آینده‌ای دور یا نزدیک، کاملاً قابل پیش‌بینی است.
 همچنین آوانس‌هایی که حکومت طاغوت به منظور تعادل قوا و یا صحیح‌تر حق-
 السکوت به آنها می‌پرداخت در آینده قطع خواهد شد.



از امپریالیسم "سیاه" و "سرخ" که بگذریم نوبت به صهیونیسم و اسرائیل می‌رسد
 که آنها از یک دوست وفادار و صمیمی محروم شدند، و یک منبع انرژی نزدیک و پرمایه
 یک متحد واقعی را از دست دادند، و سزاوار است لباس عزا در تن کنند و بر فقدان این
 دوست قدیمی اشک حسرت بریزند بی آنکه بتوانند کار موثری برای او انجام دهند.
 از اینها که بگذریم، در منطقه دولت‌های کوچک و بزرگ پرپول وابسته به قدرتهای
 غربی هستند که انقلاب ایران سخت آنها را بلرزه افکنده است، زیرا آنها نه فقط پایگاه
 مردمی ندارند، بلکه فرو رفتنشان در فساد، و وابستگی‌شان به قدرت‌های بیگانه آنچنان
 روشن است که ملت‌هایشان از این جهت سخت در عذابند و در انتظار فرصتی هستند که
 آنها نیز قیام کنند و زنجیرهای استعمار را درهم بشکنند.
 نگرانی این گروه از دولت‌های منطقه نیز کاملاً قابل درک است.

در شرق و غرب جهان (مخصوصاً در غرب) کمپانیهای بزرگی برای خرید و
 فروش نفت و تهیه و فروش اسلحه وجود دارد که ارقام معاملاتشان در سال شبیه ارقام
 نجومی است و درآمدهای هنگفتی از این رهگذر دارند که با دولت‌هایشان تقسیم می‌کنند.
 آنها با از دست دادن ایران بعنوان یک صادرکننده بزرگ نفت، و یک خریدار

بزرگتر اسلحه چنان گرفتار زبان شده اند که هم اکنون ورشکستگی بسیاری از آنها را می توان پیش بینی کرد و بدنبال آن بیکار شدن دهها هزار نفر از کارگزاران را .



ما چه تجربه‌هایی برای دنیا اندوختیم

با توجه به پیوند همه جهان به یکدیگر از طریق رسانه‌های گروهی و با توجه به اینکه شرایط سیاسی و اجتماعی در بسیاری از نقاط دور دست دنیا مانند آمریکای لاتین و قسمتی از آفریقا مشابه ایران است . تاثیر گذاشتن انقلاب ایران در آن مناطق و تکرار این تجربه‌ها در آن اجتماعات کاملاً قابل درک است .

تاکتیکهای موثر و برنده‌ای که در انقلاب مملکت ما بکار رفت ، مانند اعتصابهای فلج کننده ، در شرکت نفت و گمرکات و دانشگاهها و مدارس و ادارات و بازار ، یک تجربه بسیار آموزنده برای همه کشورهای خواهد بود که در اسارت استعمار بسر می‌برند .

همچنین توسل به جنگ تبلیغاتی از طریق پخش اعلامیه‌های زیر زمینی ، و شب نامه‌ها و شعارهای داغ خیابانی ، و کشیدن پای زنان و نوجوانان و حتی کودکان به میدان مبارزه ، و سرانجام بالا بردن سطح مقاومت مبارزین در برابر تبعید و زندان و شکنجه ، یکی دیگر از این تجربه‌های آموزنده برای همه مستضعفان جهان است .

استفاده از مذهب — مخصوصاً اسلام در نقاطی که وجود دارد — به عنوان یک حربه بسیار موثر در برابر تهدیدهای استعمار و عمال و ایادی آنها ، فصل دیگری از برنامه های انقلابی کشور ما است که می‌تواند الگویی برای دیگران باشد .

با توجه به این واقعیات جای تعجب نیست که امواج انقلاب ایران به دور ترین نقاط جهان برسد و در بدری شاه سابق و خانوادهاش عامل وحشت تمام عمال بیگانه در جهان گردد .

دولتهای استعماری بار سنگین این وحشت را که دوستانشان از این پس بیشتر در خطر خواهند بود بدوش می‌کشند .

مخصوصاً وقتی آنها نتوانستند یک دوست سی و هفت ساله و یا صحیحتر نوکری که یک عمر با آنها خدمت صادقانه کرده و گوش به فرمانشان بود و به گفته بعضی همه روزه با سفر آنها به مشورت می‌نشست ، بهنگام بدی حادثه پناه دهند ، و حد اقل به عنوان یک فرد عادی و کاملاً بی‌اثر و بدون فعالیت در کشورشان زندگی کند ، طبیعی است که این

سرنوشت شوم و وحشتناک کابوسی خواهد بود برای سایر نوکران استعمار در شرق و غرب جهان ، و چنان پایه‌های اعتماد آنها را متزلزل خواهد ساخت که ناچار می‌شوند به فکر پناهگاه‌های جدیدی باشند ، و به وعد و وعیده‌های اربابان از این پس تکیه نکنند ، و این خود گرفتاری دیگری برای اربابان بزرگ خواهد بود .

هنگامی که سران فلان کشور متحد - غرب شاه سابق را می‌نگرند که دست‌خانواده خود را گرفته هرروز بکشوری می‌گریزد ، و باز در امان نیست و حامیان سابقش او را همانند یک بیمار جذامی از خود رانده‌اند ، این فکر برای آنها مسلما پیدا می‌شود که با جنبش‌های آزادیخواهان ملت‌ها ، بجای مبارزه کنار بیایند یعنی به آنها اجازه دهند مسیر خود را پیدا کنند ، همان مسیری که سرانجام بنابودی منافع استعمار منتهی خواهد شد .



شکست ماتریالیسم در برابر ایمان

گذشته از همه اینها انقلاب ایران از یک نظر همه دنیای صنعتی را که چیزی جز ارزشهای مادی را به رسمیت نمی‌شناسد امروز به مبارزه طلبیده است و به آنها حالی کرده که در ماورای این ارزشها ، ارزش دیگری بنام ایمان بخدا و اعتقاد به مبانی مذهب وجود دارد که می‌تواند همه محاسبات آنها را بهم بزند ، و یک گروه غیر مسلح را در مبارزه با قدرتهای بزرگ مسلح داخل و خارج پیروز گرداند ، چیزی که در گذشته تصور آن هم مشکل بود .

مطبوعات غربی هم‌اکنون از این وحشت دارند که به تعبیر آنها (با نهایت معذرت) ایران غول دنیا شود و از طریق وسائل ارتباط جمعی ، انقلاب اسلامی را به جهان صادر کند - ممکن است این سخن در آغاز یکنوع بلند پروازی تصور شود ولی بهر حال زمینه‌های نگرانی را برای آنان فراهم سازد و ضعف و ناتوانی ماتریالیسم را در برابر قدرت ایمان به ثبوت می‌رساند .



با توجه به دلائل فوق و حقایق زنده‌ای که هم‌اکنون در برابر ما قرار گرفته بخوبی می‌توان دریافت که چه خطرهای بزرگی در داخل و خارج انقلاب ایران را تهدید می‌کند .

آیانغمه‌های تجزیه‌طلبی که از بعضی بلند شده از حلقوم ایرانی است و یادشمن است که از بیرون مرزها دست به‌کار شده و به آتش دامن می‌زند و ما را به برادرکشی می‌خواند.

آیا منافقانی که مانند سواس خناس، کشاورزان و کارگران را در این موقع حساس به اعتصاب و اعتراض دعوت می‌کنند تا اوضاع را هرچه بیشتر آشفته سازند از ما هستند و یا نقشه‌های حساب شده دشمن است که با دقت طراحی شده و به دست این منافقان اجرا می‌گردد.

آیا آن‌ها که با پاشیدن تخم یاس و نومیدی در افکار سوء استفاده از نابسامانی‌های که در آغاز هر انقلاب غیر قابل اجتناب است برای آبیاری این بذر بدبینی و یاس بهره برداری می‌کنند خودشانند که چنین جنایتی را مرتکب می‌شوند و یا در پشت سر آنها دست امپریالیسم، صهیونیسم، غارتگران نفتی - صادر کنندگان صلاح‌های مرگبار و امثال آنها قرار دارد.

اینجاست که باید هوشیاری را صدچندان کنیم.

آمادگی خود را برای مبارزات سخت‌تر و دادن قربانیان بیشتر، برای به ثمر رساندن این انقلاب اسلامی افزایش دهیم.

با دقت هرچه بیشتر مراقب سمپاشی‌های دشمن باشیم، و هر صدای نفاق افکن را در گلو خفه کنیم، و به فرصت طلبان مزدور و منافق اجازه رشد و نمو ندهیم، همگی دست به دست هم داده و از خدا مدد بطلبیم و بدانیم سرانجام پیروزی با ما است چرا که خدا این وعده را به ما داده است "ولاتهنوا و لاتحزنوا و انتم الاعلون ان کنتم مومنین".

